

جغرافیای

دریاچه

بهروز خاماچی
قسمت سوم

اورمیة

نامهای تاریخی دریاچه اورمیة

دریاچه اورمیة در زمانهای بسیار دور شناخته شده و به لحاظ کیفیت آب و خاصیت درمانی آن و به جهت شایعه تولد زرتشت در یکی از کرانههای دریاچه و وقوع حوادث تاریخی زیاد در اطراف آن و موقعیت جغرافیایی، نظامی، اقتصادی، جنبه تاریخی و مذهبی به خود گرفته و بیشتر مورد گفتگو و مطالعه و تحقیق بوده و از آن، دریاچه کهن جغرافیا و تاریخ و سفرنامه سخنهای بسیاری رفته است. تولد زرتشت و نشو و نما وی در اطراف دریاچه و صعود وی به مدت چهل روز به تله کوه سلان (ساوالان) و تبلیغ عقایدش به مردم چنانکه نتیجه شاعر و متفکر معروف آلمانی در کتاب (چنین گفت زرتشت) نیز به آن اشاره می کند. شهرت دریاچه را از حد و مرز کشور خارج ساخته و به اقصی بلاد جهان رسانیده است و به این جهات و مناسبات، اغلب سیاحان، دانشمندان، جغرافیدانان و مورخین و فلاسفه در کتب خود از دریاچه ذکری به میان آورده اند که در اینجا به طور خلاصه به اهم آنها اشاره می شود:

۱- قدیمترین نام این دریاچه در دوره آشوریها و مادها، ریما Rima بوده است.

۲- در کتاب زند و اوستا که کتاب مقدس زرتشتیان است چندین بار نام این دریاچه، چیست *cyeste* یا درخشان و شفاف یاد شده است.

۳- بطلمیوس آنرا مارگیانه *Margiane* خوانده است.

۴- استرابون دریاچه اورمیة را زپاتا *zepata* نامیده است.

۵- مورخان ارمنی و یونانی آنرا کاپاوتا (کیوفید = کیود) خوانده اند و مدعیان از جغرافیدانان یونانی نام دریاچه را کیوتان *Kaputan* (کیود) ذکر نموده اند.

۶- از روزگاران قدیم تا سال ۱۳۰۵ شمسی به مناسبت وقوع دریاچه در کنار شهر اورمیة به نام دریاچه اورمیة و رومیة معروف بوده است.

۷- بحیرة کیودان - مسعودی در کتاب التنبیه که در سال ۳۲۵ هجری قمری نوشته شده آنرا بحیرة کیودان نام برده و چنین می نویسد:

"... و بحیرة کیودان و هی قلی بعمی بوم من کدیة ارمیة"

و یلاد التراعه و سرهما من بلاد آذربایجان و هی اعظم و اغزر و امر و الملح تاتکون ذوروج نیبا ایما" و هی مضاهه الی قریه فی جزیره فی وسطها تهراف بکیودان ..."

۸- کیودان - ابوالقاسم محمد بن حوقل معروف به ابن حوقل صاحب کتاب صورۃ الارض که آن را در حدود سال ۳۶۷ هجری قمری به پایان رسانیده و یکی از کتب معتبر و ذیقیمت جغرافیای قدیم ایران است در خصوص دریاچه اورمیة چنین می نویسد:

"... دریاچه کیودان که در آذربایجان میان مرافه و اورمیة واقع است آبی شور دارد و هیچگونه جاندار و ماهی در آن نیست و کشتیهای بسیار در آن دریاچه میان شهرها و اعمال تبریز رفت و آمد می کنند. داخرقان (دهمداران) و اطراف آن از هر سو به داشتن قریهها و روستاها آباد. فاصله دریاچه کیودان از اورمیة که در غرب آن قرار دارد دو فرسخ و فاصله آن از مرافه واقع در شرق آن پنج فرسخ است و از اوایل دهمداران تا کنارههای دریاچه چهار فرسخ، و طول دریاچه از شمال به جنوب با حرکت ستور، چهار مرحله و پهنای آن میان مرافه و اورمیة در حدود بیست فرسخ است.

دریاچه کیودان در زمستانها، امواجی سخت و مصیبت بار دارد و در میان آن کوههایی مسکونی و با آبهای اندک است و مردمان آنجا زندگی سخت دارند و صاحبان کشتی با کشتیانند و کالاها و مسافران را به دوسوی دریا می برند و بز هم دارند و غیر از چیزهایی که از بیرون به آنجا می آورند مالک چیزی نیستند.

۹- کیودان، در کتاب حدود العالم که به سال ۳۷۲ هجری قمری نوشته شده و متأسفانه نویسنده آن معلوم نیست و قدیمترین کتاب جغرافی به فارسی است در خصوص دریاها و خرد که آتش شور است چنین می نویسد:

"... دریا کیودان به ارنیة: درازای او پنجاه فرسنگ است اندر پهنای سی فرسنگ، اندر میان این دریا دهی است کیودان گویند و این دریا را بدان ده باز خوانند و از گرد او آبادانیست و اندر او هیچ جانور نیست از شوری مگر کرم."

۱۰- دریای ارنیة - مؤلف حدود العالم این دریاچه را جای دیگر دریای ارنیة خوانده و چنین نوشته است:

"... و اما اندر دریای ارنیة یک جزیره است بر او یک

دهست آن را کیودان خوانند جایی بانعمت است و مردم بسیار ..."

۱۱- خنجست - در شاهنامه، شاعر بلند پایه ایران حکیم ابوالقاسم فردوسی، از این دریاچه با کلمه خنجست یاد شده ولی مسلم است که منظور فردوسی، چیست بوده و در اثر تحریف کاتبان شاهنامه و زمان نسخه برداری، چیست را خنجست ضبط نموده اند. در جای دیگری، فردوسی این دریاچه را چیست نام برده و در جلد چهارم از شاهنامه در خصوص راندن خسرو لشکر را به سوی آذربادگان چنین می گوید:

سپاهی گزین کرد از آزادگان

بیازد سوی آذربادگان

دو هفته برآمد به فرمان شاه
دماسد به لشکرگه آمد سپاه

سوی راه چهست بنهاد روی
همی راند بچنان دل و راهجوی

۱۲- بحیره، چهست - حمدالله مستوفی در نزهة القلوب به
سال ۷۲۰ هجری قمری در ذکر بلاد آذربایجان در وصف قصبه طسوج
چنین می نویسد:

"... طسوج قصبای است بر دو مرحله، بزرگ به جانب غربی
و در شمال بحیره، چهست افتاده است باغستان بسیار دارد و
میوههایش نیکو و بسیار بود هوایش از شیر بزرگتر است و به جهت قرب
بحیره، چهست به عفونت مایل و آبش از رودی که از آن جبال آید
و از صوبن، سگانش از ترک و تاجیک مزوج اند حقوق دیوانیش
گماش پنجبزار دینار به دفتر درآمده است و به وقف ابواب البر
ابوسمیدی تعلق دارد و نام چهست تا زمان مستوفی معمول بوده
است.

۱۳- استاد فقید و دانشمند گرانقدر پورداود در بخش دوم
کتاب سینا درباره، چهست به توضیح فاضلانه پرداخته چنین
می نویسد:

"... نام ایرانی این آب که در اوستا به جای مانده چهست
Geopaste خوانده شده، لفظاً یعنی درخشان، ناگزیر این آب
با نمک فراوانی که در آن آمیخته است و با درخشندگی دلگشایی که
با تابش خورشید دارد چنین خوانده شده است، در اوستا که امروزه
در دست است چندین بار به این نام برخوردم می شود.
نام چهست در کتاب اوستا بارها آمده و از آن با احترام و
قدوسیت یاد شده است چنانکه در زند بهمن پشت فرگرد ۶ باره ۱۰
از چهست یاد گردیده و درباره آن گفته شده:

"... آذرکشب در کرانه، دریای ژرف چهست است آبش
گرم و به زیانگران ناسازگار است."

۱۴- دریاچه طسوج یا طسوج - مستوفی به امتیاز وقوع این
دریاچه در کنار قصبه طسوج که سابقاً شهر بزرگی بوده آن را دریای
طسوج و طسوج هم خوانده است و در پارهای موارد دریای شور هم
ذکر نموده است.

۱۵- بحیره، کیودان - صاحب کتاب المسالك والممالك آن را
بحیره کیودان نوشته "... بحیره، کیودان و فی جانبها الاسفل
مدینه ارمیه ..."

۱۶- دریای ارمیه - ابواسحق ابراهیم بن محمد الفارسی ملقب
به اصطخری یکی از جغرافیدانان که در قرن پنجم تا ششم می زیسته
در کتاب خود به نام مسالك و معالك (ترجمه شده) در صفحه ۱۵۹
کتاب مزبور که در ذکر دریاهای دیار آذربایگان آمده چنین می نویسد:
"... به آذربایگان دریایی هست که آن را دریای ارمیه
خوانند، آبی شور دارد و در او هیچ جانوری نباشد ... گرد برگرد
آن دریا، همه عمارت و نواحی است و ازین دریا تا مراغه سمرسنگ

دارند و تا اورمی دو فرسنگ و درازای این دریا پنج روزه راهست بر
خشک و در آب چون باد راست بُود بیک شب بیرون شوند."

۱۷- بحیره، تلا - الملک المومنه عمادالدین ملقب به ابوالفدا
متولد به سال ۶۷۲ و متوفی به سال ۷۲۲ هجری در کتاب جغرافیای
خود به نام تقویم البلدان این دریاچه را دریاچه تلا خوانده ولی
وجه تشبیه آن روشن نیست که به چه علت و چرا ابوالفدا نام تلا را
به این دریاچه اطلاق نموده است.

ابوالفدا معتقد بوده که قلعمای در یکی از جزایر دریاچه بوده
که هلاکوخان مغول خرابین خود را در آنجا می گذاشته تا از دستبرد
در امان باشد. از نحوای نوشته، ابوالفدا چنین می آید که به سبب
وجود طلا و نفوذ و خرابین هلاکو در این جزیره مردم آنجا را قلعه
تلا (قلعمای که حاوی طلاهای هلاکو بوده) نامیده و ابوالفدا هم به
همین سبب آنجا را تلا و دریاچه را نیز به تلا منسوب کرده است.
چنانچه باقوت حموی نیز در معجم البلدان دژی را در آذربایجان به
نام طلا (= تلا) ذکر نموده است.

۱۸- بحیره الشراة - در پارهای از کتب جغرافی آن را بحیره
الشراة نوشته اند یعنی دریاچه صالحان. زیرا در سواحل آن فرقه ای
از خوارج به این نام (شراه) اقامت داشته اند.

۱۹- دریای افول خورشید - در پارهای از منابع نیز اسم دریاچه
را دریای افول خورشید آورده اند.

۲۰- دریاچه شور - مسعران مهلبیل خزرجی بنسومی ملقب
به ابودلف شاعر و سیاح و معدن شناس عرب که در قرن چهارم هجری
در دربار امیرنصر سامانی مقامی به سزا داشته در یکی از رساله های
خود به نام شرح سفر و مشاهدات خود که به سال ۱۳۴۲ در تهران
ترجمه شده چنین می نویسد:

"... در ارمیه دریاچه شوری واقع است که در نزدیکی آن
گیاه و حیوان یافت نمی شود در میان دریاچه کوهی است به نام
کیودان و در آن قریه هایی وجود دارد که محل سکونت دریانوردان
کشتیهای این دریاچه است. محیط این دریاچه پنجاه فرسخ و عرض
آن در یک شب پیموده می شود. از این دریاچه نمک بلوری مانند
توتیا استخراج می شود.

۲۱- دریاچه آذربایجان - حافظ حسین کربلائی تبریزی در
شرح مناقشات بین اوزون حسن آق قویونلو و جهانشاه قره قویونلو آن
را دریاچه آذربایجان خوانده است."

۲۲- دریاچه شاهی - مدهای از جغرافیدانان قدیم به جزیره ای
واقع در آن به نام (شاهای) اشاره کرده اند که در اثر نام همین جزیره،
این دریاچه را نیز شاهای یا شاهی خوانده اند این جزیره دارای
آبادیهای معتبری است که در سمت مشرق دریاچه قرار گرفته و موقع
کم آبی به وسیله باریکهای به خشکی متصل و شکل شبه جزیره به خود
می گیرد ولی در موقع بارندگی ارتباط آن با خشکی قطع می شود (با
احداث راه جدید که از جاده تبریز - آذر شهر منشعب می شود جزیره
شاهی از حالت جزیره بودن درآمده است).

مستوفی و حافظ ابرو هر دومی گویند وقتی که سطح آب پایین می‌رود جزیره شاهی به صورت شبه‌جزیره درمی‌آید و در آن قلعه بزرگی است بر فراز کوهی و قبر هلاکو و سایر سرداران مغول هم در آنجا است.

احمد بن محمد بن یعقوب معروف به ابن مسکویه مورخ و طبیب و فیلسوف ایرانی متوفی به سال ۴۲۱ هجری قمری صاحب کتاب تجارت‌الامم در کتاب مزبور می‌نویسد که قلعه شاها مرکز عملیات سرگردگان باغی (شاه) بوده و هلاکو آن را تجدید بنا نموده و دستور داد تمامی غنایم و خزاینی که از غارت بغداد و دیگر جاها آورده بود در آن قلعه جای داد و این قلعه به مقبده ابن مسکویه بعدها مدفن هلاکو گردید و به همین سبب بعدها آن را در زبان فارسی (گور قلعه) می‌گفتند.

۲۲- دریاچه رضاییه - نام این دریاچه تا سال ۱۳۵۵ شمسی همان نامهای اورمیه و شاهی بوده که در بین مردم و نوشته‌ها معمول و مصطلح بوده است ولی پس از به قدرت رسیدن رضاخان و به دستور او نام شهر اورمیه و دریاچه اورمیه به رضاییه و دریاچه رضاییه بدل گردید.^۵

جزایر دریاچه اورمیه

دریاچه اورمیه در داخل آبهای خود مجمع‌الجزایری مرکب از ۵۶ جزیره و در قسمت شمال شرقی اش جزیره بزرگ شاهی که امروزه جزیره اسلامی خوانده می‌شود جای داده است. به علاوه جزیره قویون‌داغی (کیودان) نیز در وسط آن واقع شده است. در بعضی از منابع جغرافیایی و مقالات تحقیقی، گاهی تعداد جزایر دریاچه را ۱۵۲ عدد نیز ذکر کرده‌اند.

مساحت جزایر دریاچه ۳۳۰۴۶۶ هکتار است و وسعت جزایر قویون‌داغی (کیودان) اشک‌داغی (جزیره‌الاخ) اسپسر، آرزو و شاهی (اسلامی) رو بهم رفته، ۳۲۰۶۴۵ هکتار برآورد شده است. با این محاسبه برآورد می‌توان چنین نتیجه گرفت که ۹۷ جزیره و صخره بیرون آمده از آب دریاچه گاهی مساحتی کمتر از یک متر مربع دارند و بعضی از آنها نیز به چندین متر مربع بالغ می‌شوند.

این جزایر در داخل آبهای سیلگون دریاچه منظره بسیار دیدنی و بی‌نظیری را خلق کرده که هر بیننده را مسحور خود می‌سازند. در این مورد می‌توان به جزیره صخره‌ای مشت عثمان (عثمان بوموروثی) اشاره کرد که شبهه مشت‌بسته از دور دیده شده و به طرز بسیار زیبایی سرازیر آب بیرون آورده است.

به استثنای صدها صخره‌های سنگی که گاهی بیرون از آب و زمانی در زیر آب قرار می‌گیرند در دریاچه اورمیه بیش از ۵۶ جزیره بزرگ و کوچک وجود دارد که بیشترین آنان در ناحیه جنوبی و چند جزیره در ناحیه شمال و شمال غربی واقع شده‌اند.

به‌طور کلی در نتیجه بارانهای بهاری و پائیزی، در سطح آراضی

جزایر دریاچه که ظاهراً بدون آب به نظر می‌رسند گیاهان و رستنی‌های متنوع و فراوانی به وجود آمده و تشکیل حلقه‌های بهناوری را می‌دهند که از لحاظ دایمی‌روزی و تغلیف و چرای حیوانات اهلی و چهارپایان واجد اهمیت بسیار می‌باشد. در سالهای گذشته، روستاییان مقیم کرانه‌های جنوبی و جنوب شرقی دریاچه، گله‌های گوسفند و بز و گاو میش خود را در مواقع پرآبی، به وسیله قایقهای چوبی و مخصوص بومی و به هنگام کم‌آبی آب دریاچه به وسیله شناهی دسته‌جمعی برای تغلیف به جزایر دریاچه می‌بردند و هنگام زمستان نیز که آب و هوای جزایر بسیار ملایم و مطبوع می‌شد و در اثر بارش بارانهای بهار و فصلی، مصلی‌های تازه و قابل استفاده چهارپایان می‌روفتند، جوانان و حشم داران، مقدار قابل توجهی از احشام خود را در آن مکانها نگهداری کرده. هم از گیاهان مفید جزایر استفاده می‌نمودند و هم از لحاظ مراقبت گله‌های چهارپایان مخارجی را متحمل نشده و به علاوه از گزند جانوران درنده در امان بودند.

در دوره‌هایی که ملوک الطوائفی در ایران ریشه دوانیده بود، راهزنان بسیاری با تشکیلات منظم و سازمان وسیعی در دو جزیره قویون‌داغی و آرزو مسکن و مأوا گرفته و با همدستی افراد شرور و ماجراجو که در سواحل دریاچه اقامت گزیده و پنهانی با دسته‌های جزیره‌نشین ارتباط داشتند اقدام به دستبرد‌های بسیار بزرگ و گاهی چندین روستا و نصابه را شانه هارت نموده، دوباره به محل خود مراجعت می‌کردند.

بعضی جزایر دریاچه به اضافه جزیره شاهی، از زمان محمد شاه قاجار، جزو رند‌سای دولتی بودند و حکام والیان ایالات و ولایات، مخالفین و دشمنان خود و افراد مجرم و با محکوم را بدون وجود کمترین وسیله زندگی به حالت اجبار، روانه جزایر دریاچه اورمیه می‌کردند، احدی از سر و سوت و سرانجام شوم آنها خبری به دست نمی‌آورد که این رسم بسیار زشت و غیر انسانی تا آغاز مشروطیت در ایران پابرجا بود.

در زمان دو جنگ جهانی اول و دوم، نیروهای اشغالگر با گروهی از افراد و اسلحه‌های مرگبار به وسیله کشتی موتوری موجود در دریاچه، در این جزیره بهاده شده، تقریباً اکثریت قریب به اتفاق حیوانات بومی و اصیل جزیره را قتل عام کردند و تنها چند رأس حیوان جالاک و تیرها خود را از مهلکه رها نموده و در میان صخره‌های جزیره و شکاف سنگها از دید چشم مهاجمان در امان ماندند تا اینکه دوباره نسل آنها آنچنان زیاد گردید که گیاهان، جزیره تکافوی خوراک آنها را نداد و به علاوه در نتیجه عدم وجود خطرات مستمر از ناحیه جانوران درنده، رفته‌رفته نسل و نژاد قوچ و میش و بزهای مخصوصی که به نام قوچ اورمی یا قوچ ارضی معروف بودند طبق اصل بقای نژاد اصلح و قانون تنازع بقا به کلی از حالت طبیعی منحرف گردیده و تبدیل به حیوانات بی‌حال و تنبل و خمود و چه بسا ناتوان و بیمار گردیدند.^۶

اداره شکاربانی برای اینکه نسل و نژاد حیوانات جزیره

قوین داهی را از نابودی و فساد نجات دهند، این جزیره را به یک پارک بزرگ طبیعی تبدیل نموده‌اند و برای اینکه جنب و جوشی متناسب و طبیعی به محیط آرام و بی خطر جزیره به‌بخشد و همچنین از افزایش بی‌قاعده و خارج از حد طبیعی جانوران مزبور بکاهد، پس از آنکه جزیره قوین داهی را حفاظت شده اعلام کردند دو رأس پلنگ نر و ماده را در جزیره مزبور رها ساختند تا موجبات بقای اصلح نسل جانوران به نحو طبیعی فراهم شده باشد.

آدمه دارد

اسامی جزایر دریاچه اورمیه و وسعت و تعداد جزایر

نام	تعداد	مساحت	حداکثر ارتفاع به متر
دوقوزلار (نگانه)	۹	۳/۲۵۰ کیلومتر مربع	۱۲۸۰
"	-	۲/۵۰	۱۲۸۰
"	-	۰/۵۰	۱۲۸۰
"	-	۰/۵۰	۱۲۸۰
"	-	۴/۱۵	۱۲۸۰
"	-	-	۱۲۸۰
"	-	۲/۵۰	۱۲۸۰
"	-	۰/۷۵	۱۲۸۰
"	-	-	۱۲۸۰
اشک داهی (کوه خر)	۱	۲۵	۱۳۰۰
باستی یاغلی قره	۱	۱۲/۵	۱۳۲۰
مرکید	۱	۱۱/۲۵	۱۳۰۰
آق داغ	۱	۲۰	۱۳۲۰
داس آدا	۱	۰/۷۵	-
ملا بودی	۱	۲۵	۱۳۰۰
قره آرا	۱	۳۲۷	۲۱۰۰
شاهی	۱	۸/۷۵	۱۲۸۰
گمی چی آداسی	۸	۸	۱۲۸۰
سامانی	۱	-	۱۴۰۰
شاه سرانلو بزرگ	۱	۱/۵	۱۴۱۰
کمر داغ کوچک	۱	۷/۵	۱۴۱۰
کمر داغ بزرگ	۱	۳	۱۲۸۰
شاه سرانلو کوچک	۱	۷/۷۵	۱۳۰۰
شوش تپه	۲	۲/۵۰	۱۳۰۰
شاه سرانلو	۱	۵/۷۵	۱۳۰۰
باسی داش	۱	۲/۵	۱۳۰۰
احمد داهی	۱	-	-

۱	۵۲۵	کیلومتر مربع	۱۲۲۰	آردو
۱	۲	"	۱۲۸۰	آق مسته
۱	۰/۲۰	"	۱۳۰۰	کچل داهی
۲	۰/۴۰	"	۱۳۰۰	فاناجانا
۱	۲/۵۰	"	۱۲۸۰	اوهون
۱۰	۱۱۵۱/۲۵	"	۱۲۲۰	اسپهر
۱	۵	"	۱۲۸۰	قره تپه
۲	۵	"	۱۲۸۰	آرپاد رسی
۱	۳۲۲۱	"	۱۸۵۰	قوین داهی
۱	۶/۷۵	"	۱۳۲۰	گدوک تپه
۱	۰/۷۵	"	۱۲۸۰	گدوک تپه
۱	۸/۲۵	"	۱۳۲۰	گدوک تپه
۱	۱/۷۵	"	۱۲۸۰	ایشک میدان لر
۱	-	"	۱۳۰۰	اردشه تپه سی
۱	-	"	۱۳۱۰	خرسک
۱	-	"	-	فزل کنگور
۱	-	"	-	بانخلی
۱	-	"	-	عموجانلار
۱	-	"	-	صافین لقمه
۴	-	"	۱۳۰۰	چابریلی
۱	-	"	۱۲۸۰	گولابان داهی

یادداشتها

- ۱- عمران منطقی، نشریه شماره ۱۶ فی زمان برناممه -
- ۲- اورمیه از دو کلمه آرامی، اور به معنی شهر و میه (ما = آب) مرکب است یعنی شهر آبها و به مناسبت فراوانی وزیادی آب در شهر اورمیه (رضائیه سابق) این نام تا حدی مورد قبول است.
- ۳- استاد دپوداود، پسا، ص ۱۶۹، جلد ۲، تهران، ۱۳۳۸.
- ۴- حافظ حسین گربلائی تبریزی، روفاث الجنان، جنات - الجنان، ص ۶۰۰، تهران ۱۳۶۸.
- ۵- دکتر رحیم هویدا - جغرافیای چیچست، ص ۲۶ - تبریز، ۱۳۵۵.
- ۶- حسین بزرگر، دریاچه رضائیه، ص ۳۵ - رضائیه، ۱۳۳۹.